

روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

اذان ظهر ۱۳:۰۵
 اذان مغرب ۱۹:۵۵
 اذان صبح فردا ۵:۰۶
 طلوع آفتاب فردا ۶:۳۴

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: منصور مظفری
 تهران: خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم مقام قراهنی (به سمت هفت تیر)
 کوچه ۲۶ پلاک ۱۰ طبقه اول واحد یک
 امور آگهی ها ۷۷۸۲ ۸۱۹ ۰۹۱۲
 تلفن: ۸ - ۸۸۳۲۱۲۹۹ نمابر: ۸۸۳۲۱۲۹۹
 چاپ: روز تاب - جاده مخصوص - تلفن: ۷-۰۷۶۴۵۰۴۴۵۴۵
 توزیع: نشر گستر امروز - تلفن: ۹۶۸۶۱۹۳۳
 دفتر مرکزی یزد: بلوار ۲۲ بهمین، تلفکس: ۳۵-۳۵۲۴۶۹۱۹

نشانی الکترونیکی روزنامه:
aftab.yz@gmail.com
 مقالات و نوشتارهای ارسالی به روزنامه افتخاری بوده و در صورت عدم چاپ مسترد نمی گردد

سازمان پیمانک آفتاب یزد: ۳۰۰۱۴۱۴۲۷

روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی

اذان ظهر ۱۳:۰۵
 اذان مغرب ۱۹:۵۵
 اذان صبح فردا ۵:۰۶
 طلوع آفتاب فردا ۶:۳۴

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: منصور مظفری
 تهران: خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم مقام قراهنی (به سمت هفت تیر)
 کوچه ۲۶ پلاک ۱۰ طبقه اول واحد یک
 امور آگهی ها ۷۷۸۲ ۸۱۹ ۰۹۱۲
 تلفن: ۸ - ۸۸۳۲۱۲۹۹ نمابر: ۸۸۳۲۱۲۹۹
 چاپ: روز تاب - جاده مخصوص - تلفن: ۷-۰۷۶۴۵۰۴۴۵۴۵
 توزیع: نشر گستر امروز - تلفن: ۹۶۸۶۱۹۳۳
 دفتر مرکزی یزد: بلوار ۲۲ بهمین، تلفکس: ۳۵-۳۵۲۴۶۹۱۹

نشانی الکترونیکی روزنامه:
aftab.yz@gmail.com
 مقالات و نوشتارهای ارسالی به روزنامه افتخاری بوده و در صورت عدم چاپ مسترد نمی گردد

فشرده برای جناب رئیس جمهور، مقداری صلاحیت به او تزریق کنیم تا بلکه بتواند از این به بعد روی پای خودش بایستد. اما پیش از آن در دفاع از ایشان باید عرض کنیم همانگونه که می دانید حرف اول القیاب کفایت سیاسی، پوشیدن گرمکن ورزشی در منزل است. نه مثل مسئولین بی اخلاق که هنگام رفتن به رختخواب نیز از زکت و شلوار (و نه حتی کاپشن) استفاده می کنند. آیا غیر از این است که همه ما جناب روحانی را هنگام تماشای بازی تیم ملی فوتبال در کسوت گرمکن دیده ایم؟ برهانی قاطع تر از این؟! البته ضعفهایی هم در کار ایشان دیده می شود. از جمله عدم توانایی در برقراری روابط استراتژیک با جزایر دامامبورومبای شرقی که جای بسی تأمل دارد. از سوی دیگر ایشان باید تسلط خویش را بر ادبیات کهن این مرز و بوم بیشتر کنند تا بتوانند در بزنگاههای سیاسی با تکیه بر آرایه تلمیح از حکایات لولو و آب ریختن استفاده نموده یا حداقل تفاوت مفهومی لغوی کلمات را به درستی درک کرده باشند. مثلا اگر کسی پرسید خس چیست، به اشتباه لغت خاشاک را تشریح نفرمایند. این می شود چکیده کفایت سیاسی.

و اما راجع به بند اول نسخه جدید قانون وظایف مجلس تقاضای دارم و آن تشریح تفصیلی کاربرد لایحه است. آنگونه که استنباط شده، لایحه چیزی می شود شبیه به مهریه. مثلا اگر دربار بودجه سالهای پیش باشد ضرب المثل «لایحه رو کی داده کی گرفته؟» بر آن صدق می کند و حکمش می شود «عند الاستطاعه». ولی چنانچه در خصوص برجام باشد، مصداق بارز عبارت «عند المطالبه» است و جمله معروف «حق گرفتنی است نه دادن»ی. لذا خواهشمند است قانونگذار محترم تفکیک مفاهیم فرمایند.

صبر و ایمانی که داره چی می تونه ناراحت کنه .
فاطمه سادات : حاجی به روز میره تو به اداره می بینه طرف ارزش رشوه خواسته . اونجا بود که برگه هاشو پاره می کنه می باشه تو صورت طرف . حاجی اونو شناخته بودتش هومونی بود که تا خط اومد و دید که جنگ واقعی هستش و مثل نقل و نبات گلوله توپ و تانک از آسمون می باره فرار به فرار ترجیح داده رفت سمت خونشون . فقط به اون میگه ما برای حفظ وطن جنگیدیم و تو به غارت وطن این شعر واسش می خونه .

مبارزه کردیم برای ناموسمان
 با یک فرمان امام و رهبرمان
 از خدا می خواستیم با دعایمان
 مقام و منزلت را در آسمان
 نه مالی خواستیم در میهنمان
 نه پست خواستیم از دولتیان
 فدا کردیم این تکه جسممان
 کاش می شد فدا این روحمان
 رنگ و ربایه هم نبود در کارمان
 عشق حسینی علی بود و جودمان
 اما امروز با تظاهر از نام شهیدان
 اندکی هستند دنبال سودهایشان
 به پیشواز تحریم می رفتند اینان
 چون داشت سود ها در جیبشان
 شدند مخالف توافق هسته ای مان
 چون کم شد از منفعت هایشان
 شهیدان هم بودند دنبال سودشان
 اما تو در زمین و آنان در آسمان
 آنها با افتخار فدا کردند جانشان
 برای سربلندی مردم کشورشان
 شما خوب دفاع کردید از نامشان
 عزت مردم را دادید برای سودتان
 من و همه جمع با هم :
 ماندگار شده یاد همه شهیدان
 با دیدن اعتقاد پاک حاج رضایمان

به زن می نگریستم
 که به برگی اشاره کرد
 و از پیشش
 کلاهی را دیدم که ابر
 بر سر کوه ها می گذاشت!!

امروز
 تمام شهر را چشم چراندیم
 و دستی بر سر کودکی کشیدیم
 که دستش به توتهای بالا نمی رسید
 نشستیم و با خودم گفتم :
 " آدمها توتتهای زمین افتاده را جمع می کنند
 و نانهای کف پیاده رو را
 احساسات را
 که پخش و پلائی سنجش های زمانه
 است
 لگد می کنند!
 و دوباره به راه افتادم



مجلس در تعطیلات

دلشوشته
خادمین جدید و خانه تکانی شب عید
 [امیرحسین ذاکری • روزنامه نگار]

دولت وزن کشتی نکند وزن هر کس دست خود اوست. چنان که شخصیت هر کس دست خود اوست. لذا در وزن کشتی هم له یا علیه کسی حرف نزنند. سوابق افراد کارکرد و مدیریت و عملکرد و ادبیات آنها وزن آنها را بدون رفتن روی باسکول وزن کسی انتخابات مشخص می کند. حتی بارها از پشت تریبون ها وزن آنها محاسبه شده است.

«سرنوشت جناح ها و احزاب را دست مردم بسپارند. احزاب بیشتر تاسیس شوند تا یک لیگ قوی انتخاباتی داشته باشیم.»
 «هر چند در غائله انتخابات همه سنگینی از افزایش خادمین (کاندیداها) به وجود خواهد آمد اما دولت له یا علیه هیچ خادمی وارد عمل نشود. در واقع شناسایی و حق انتخاب یک خادم و نوکر خوب نوعی حقوق مردمی است.

استانداران چنان نظارت کنند که خدایی نکرده هیچ امکاناتی از جیب ملت یا ارت پدیری برخی کاندیداها و منابع فردی در حوزه های دولتی برای انتخابات هزینه نشود گر چنین باشد این با خرید مدرک هیچ فرقی ندارد.

در بحبوحه انتخابات (و البته هیچ گاه) با آبروی افراد بازی نشود با زندگی خصوصی آنها مثل تعداد زوجین تعداد باغ و ویلا تعداد حساب های بانکی نوع مدارک تحصیلی آنها و... کاری نداشته باشند اگر مال داری کاندیدا شود او را مال مردم خور حساب کنند هر که مال داشت مال مردم نخرده شاید مال را مثل خیلی دیگر از فعالان اقتصادی از عرق جبین ریخته به دست آورده نه اینکه یک شبه از دیوار بلند اقبال پریده و یک شبه به ثروت رسیده باشند. البته از دارایی هم استعمال شود ببینند برخی کاندیداها مال و منال دار چقدر بدهی های چند میلیونی معوقه دارند؟!
 هنگامه رقابتها در مقابله و رقابت به سیم آخر نزدیک به قول قدیمی ها آن کس که به سیم آخر می زند مجنون می شود. هر چند این جنون از سر عشق است و بوستان بهارستان بهانه ای برای قدم های عاشقانه!

پیش در آمد: با الهام از سخنان وزیر کشور در مورد عدم دخالت دولت در جانبداری یا عدم جانبداری از کاندیداها و نهی له یا علیه کسی سخن گفتن در انتخابات مجلس چند نکته تقدیم می گردد:

«دهن سیاسی چک و بند ندارد که بخوابیم در انتخابات وکیل الرعایا از قاطبه قدرتمندان و دولتمردان و هنرمندان عرصه سیاست بخواهیم که زبان در کام گیرند و له یا علیه کسی سخن نگویند. این مثل این است که در ورزشگاه از تماشاچیان بخواهیم از سر دادن شعار غیرنوادگی (ناموسی) و اهدای ناسزا به بازیکنان تیم حریف یا داوران محترم جدا خود داری کنند که نمی شود. شوق یا خشم زائد الوصف مجامع در استادیوم ها اصولا محل تبلور ناسزا یا شعار حمایتی است. اصولا دم دروازه را می توان بست حتی دروازه گمرک محل ورود کالاها بنبول، اما دم دهان یا «دروازه دان» سیاستور را نتوان بست به گراف!»
 «اینکه می گویند دولت نباید له یا علیه کسی در انتخابات عمل کند چون دولت یک مجری است باید گفت این درست اما یکی از توانمندی های یک مجری خوب هم اتفاقا جانبداری از یک طرف در عین بی طرفی است (رجوع شود به جانبداری های مجریان شبکه خبر) در میزگردها.
 «امید است در انتخابات نخبگان علمی پیروز شوند هر جناحی که باشند اصولا شخصیت علمی نگاه کاربردی عملی و تکنوکرات و فنی به مسائل دارد و از نگاه احساسی و آرمان حزبی چندان مدد نمی گیرد. اصلا چه بهتر خانه تکانی شود خصوصا که انتخابات شب عید هم هست با خانه تکانی همخوانی و هارمونی هماهنگی دارد. مردم نیاز به تنوع دارند نمایندگان سابق نیاز به استراحت، برخی از نمایندگان بروند به دور دستها استراحت عزتمندانه کنند شاید برای خودشان و موکلان سابق آنها بهتر باشد. بالاخره ملت و کالت مادام العمر که به برخی ها نداده است! نمی گویند دولت نباید در انتخابات وزنه کشی کند درست که در تخیلات قوی ترین مردان ایران در عرصه سیاست شرکت می کند اما



حضرت علی (ع) : میوه علم عبادت است .

راسته!
احمد پورنجانی
 امروز صبح رفتم قصابی محل. در شش و بش سفارش گوشت چرخ کرده بودم و منتظر نوبت که ناغافل یک فقره «عالیجناب» ۱۳۵ کیلو به بالا وارد شد. از این تریپ «پیراهن سفیدی بی یقه های دکمه بسته» که خفت یقه شان عینو دیوار سیمانی، غیغ گوشتالود را به دوش می کشد. بی اعتنا به من و دو خانم مشتری که پیش از من آمده بودند و «قصاب باشی» مشغول آماده کردن گوشت سفارشی آنان بود، یک راست رفت جلوی پیشخوان و در حالی که با انگشت نشانه «سینی راسته های گوسفندی» را هدف گیری می کرد از قصاب باشی پرسید:
 «آقاصاب با لیخند ملیحی جواب داد:
 ما غیر از شیشک نداریم.
 عالیجناب گوشتالود که دو گنبدان پس و پیش شکم و رقلمیده اش گواهی می داد که «تولیت آرامگاه کباب و دوغ» است و قدر نعمت ها را می داند، سرفه ای کرد و رو به قصاب باشی گفت:
 «پنج تا راسته بی استخوان بی زحمت»

آقا قصاب گفت: رو چشم.
 عالیجناب قلمبه اضافه کرد: «ماشین رو دوبله پارک کردم. جای پارک پیدا نمیشه»
 آقا قصاب گفت: ایسادی ناره الساعه میدم خدمتون.
 بعد رو کرد به من و گفت: می بخشین، «راسته» مطلبی پاک کردن، خرد کردن نداره. بعدش خدمتون هستم.
 من و آن دو خانم، مات و متحیر نگاه می کردیم. گرفت و رفت.
 فلذا (زهر مار و فلذا) متوجه شدم در همه عرصه های فردی و اجتماعی، شایسته تر آن است که «راسته» انتخاب کنی تا مطلق نشوی حتی اگر دوبله پارک کرده باشی. و گر نه ول مطلبی!

القاعده!
سهند ایرانمهر
 امروز مادربزرگم (مادری) زنگ زد که حالم را بپرسد و چقدر قربون صدقه ام رفت. حوالی خیابان جیحون است و مستاجر دارد که چندان براه نیست و هر وقت که زنگ می زوم به مادربزرگ تا حالش را بپرسم به گمان اینکه دایی زنگ زده کلی از حبله حقه مستاجرش می گوید. چند باری هم زنگ زدم و گفتم از طرف بانک زنگ می زنی چیزی برنده شده و طفلک بدون اینکه پولی در بانک گذاشته باشد اصرار که بفهمد جایزه چیست و وقتی گفتم: «چمچه قاشق» پقی زد زیر خنده. طفلی آن وقتها که در روزنامه ها مستمر و ثابت می نوشتم می رفت و روزنامه را می خرید و به من می گفت: «قبیلش به من خبر بده. یک بار مطلبی نوشته بودم

زنگی
بیچاره مردم
اسیدافشین طباطبایی - پژوهشگر
 ما جماعت قلم به دست عادت کرده ایم به مردم پند و اندرز دهیم که صبور باشید، مثبت باشید، سختکوش باشید، منفی نگر نباشید، بدبین نباشید، آدمهای موفق چه کردند و چه نکردند و دهها راه و روش ریز و درشت و نسخه اجرا شده و نشده دیگر برایشان بیچیم و در باغ سبزه به آنها نشان دهیم. قصد ندارم گفته های خودم را نقض کنم، ولی بعضی اوقات با برخی مسائل و ناهنجاری و معضلات اجتماعی روبرو می شویم که از توان تحلیل و تحمل من بشر خطا کار سراپا تقصیر خارج است و تنها توسل به مقام عصمت معصوم و یاری گرفتن از نیروی الهی آنان می تواند ما را از سقوط به منجرب گمراهی نجات دهد.
 انسان موجودی احساسی، غریزی، عاطفی و دارای نیازهایی اساسی است. نیازهای اولیه هر کسی عبارتند از غذا، آب، پوشاک، مسکن، بهداشت، گرایش جنسی. تا زمانی که نیازهای اولیه انسان برای او وحشت نامیدی آنان را نشده اند، عمده فعالیت های هر شخصی معمولا صرف تامین آنها می شود.
 بعد از این که انسان توانست نیازهای اولیه خود را تا حدی نسبی فراهم سازد، زمینه لازم برای تامین نیازهای روانی او احساس امنیت، راهی از وحشت، عدم محرومیت، مطرح می شود. بحث امنیت ابعاد مادی و معنوی دارد، چه تامین و حفظ مایملک دارایی های نسبی، چه حفظ حداقل امنیت روانی فردی. البته ممکن است فرد در کنار تامین نیازهای اولیه زندگی اش تواما دست به فراهم کردن حریم های امنیتی چه در ابعاد مادی و معنوی بزند. از آنجایی که انسان موجودی اجتماعی است، همواره به دنبال کسب احساس تعلق و محبت و موضوعات عاطفی می باشد. نیازهای عاطفی؛ پایید و دیده شدن، کسب نوازش برای انسان

پاکاوری
آن مرد که رفته است (۸۵/۴/۱):
 برخی رسانه ها با تحریک و تولید اخبار دروغ به دنبال دامن زدن به موج گرانی هستند.

